



هفته نامه

صلح در فلسطین؛ گاه دیگر یست برای پیروزی

موضع گیری سیاسی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان، به مناسبت جنایات و تجاوز های وحشیانه ی اخیر رژیم صهیونیزم اسرائیل از سرزمین خسته ی فلسطین نسیم صلح را اشتیاق می کنیم، صلح که با مقاومت شگرف پیروان شهدای راه آزادی قدس شکل گرفت و این پیروزی را برای مردم و نیروهای مقاومت فلسطین خجسته باش میگوئیم.

بیت المقدس، قبله ی اول مسلمان و سرزمین است که بعنوان قله ی بلند معنویت موجب پرواز پیامبر اسلام در ترقی اسرایی به سوی مسجد الاقصی جهان گردید و نیز چکاد شد که آنحضرت در تکامل معراجی تا سدره المنتهی تقرب بسوی معبود حق بآل گشود.

فلسطین! ای سرزمینی که مسلمان با روی آوردن به تو گرایش عمیق به توحید و بیزاری از شرک را آموخت.

و دینی را پرستش کرد که در آن عدالت، تقوا، احترام به انسان، امت و وسط بودن موج میزند. و جز عبودیت حضرت حق هیچ کسی به اربابی گرفته نشده و مسلمان حریت، آزادی و سیادت انسانی را در بستر آموزه های این دین مشق میگردند...

سال چهارم * شماره ۶۷ * شنبه ۸ جوزا ۱۴۰۰ * ۲۹ می ۲۰۲۱

تحلیل

دوراهی صلح و جنگ

انکشاف اوضاع و قرائین موجود نشان می دهد که توافیک گفتگوهای صلح افغانستان از دوحه تا مسکو و از مسکو تا استانبول و یحتمل تلاش های که قرار است در هندوستان برای صلح افغانستان ادامه یابد سر از یک بُن بست استراتژیک بیرون کرده است و به نحوی شلاق ناامنی بر اسب چموش تشدید درگیری ها در افغانستان کشیده است و گراف و خامت اوضاع روز به روز مسیر تصاعدی را در پیش گرفته است.

نشست استانبول، میان طالبان و دولت در سایه اشراف سازمان ملل، امیدهای را برای ختم بحران در افغانستان بیدار کرده بود که با اعلام خروج نیروهای نظامی از افغانستان در یازدهم سپتامبر سال جاری توسط کانگ سفید و پتناگون باعث شد که طالبان از این گفتگوها پا پس بکشند و به نحوی امریکا را متهم به عدم صداقت در اجرای مفاد توافقنامه دوحه سازند و به نحوی لای چرخ امیدهای مردم افغانستان برای صلح نیز چوب بگذارند.

نگارنده، در این سطور به دنبال کالبدشکافی گفتگوهای صلح در افغانستان است و چه چستی و چرایی پیمنا نکردن افغان ها به یک توافق سیاسی همه جانبه می باشد.

اصولن تاریخ منازعه در افغانستان بیشتر ریشه های ایدئولوژیک دارد تا سوبه های سیاسی، مهمی که

ادامه صفحه ۲

نگاه حکومت؛ به احزاب سیاسی باید عادلانه و منصفانه باشد

نقش احزاب و جریان های سیاسی در این کشور، آتم در دوره های مختلف، بویژه در بیشتر از نیم قرن گذشته متفاوت بوده و یعنی با فراز و فرود های زیاد و حتا با چالش های فراوان مواجه بوده است.



ادامه صفحه ۱

چوب سوخت منفعت طلبان نشویم

کسی در این نکته تردید ندارد که در یک نظام جمهوری، آنچه که اولویت دارد، خواست و رای مردم است و دولتها در نظام های دموکراتیک، خود را موظف می دانند تا خواسته های مردم را برآورده سازند. اما تامین این حق مسلم، نیازمند چند مقدمه مهم است. اول اینکه آنچه که به عنوان خواسته مردم مطرح می شود، حقیقتا از سوی مردم به عنوان یک مطالبه جدی و عمومی مطرح باشد. یعنی اینطور نباشد که بخش بسیار اندکی از یک گوشه کشور، موضوعی را مطالبه کنند و بقیه مردم کشور، از آن بی خبر یا نسبت به آن مخالف باشند.

دوم اینکه آن مطالبه، در نتیجه مهندسی و برنامه ریزی عده ای منفعت طلب طراحی نشده باشد تا با تحمیل یک مطلب تحت عنوان خواسته مردم، منافع خود را تامین کنند. سوم اینکه حکومت، در شرایط مناسب برای تامین آن خواسته باشد و توانایی های احتمالی، در نتیجه شرایط اضطرار در کشور پدید نیامده باشد. ایجاد تغییرات بنیادین در شکل و ساختار حکومت یا انتخباتی کردن و آلیان و واسوال ها، هرچند که در اصل می تواند یک خواسته مطلوب و مفید برای مردم باشد، اما اگر بر اساس مقدمات ذکر شده، تحقق نیابد، به جای بهبود اوضاع، به آزارشیم و بی نظمی منجر خواهد شد. در شرایطی که قوت های خارجی در حال ترک کشور هستند و آینده مذاکرات صلح هم چندان روشن نیست و به نظر نمی رسد که طالبان، آمادگی داشته باشند تا از طریق مذاکره، وارد ساختار سیاسی شوند، هیر اقامتی که به ضیف شدن حکومت منجر شود، آسیب رساندن به منافع مردم تلقی می شود.

حکومت فعلی افغانستان، با اینکه مشکلات فراوانی دارد، اما یقینا در هر حالتی، بسیار بهتر از امارت طالبان خواهد بود. بنابراین در شرایطی که وضعیت کشور در شرایط بحرانی قرار دارد، به جای اینکه چوب سوخت منفعت طلبی برخی افراد سود جو شویم، بهتر است تا با حمایت قاطع از حکومت، از تسلط تروریست ها بر سرنوشت خودمان جلوگیری کنیم. یقینا پس از رفع این خطری، فرصت های زیادی برای اصلاح کاستی های موجود در حکومت، در اختیار ما خواهد بود.

جلال

درس در سایه ترس و وحشت فرار از دانشگاه ۱۴۰۰/۲۹

روز چهارشنبه با دنیای از شور و هیجان به استقبال درس با شتاب بسوی دانشگاه حرکت کردم حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح پیش دروازه دانشگاه کابل رسیدم، وارد دانشگاه شدم و دیدم پیش دروازه فضاء ی نظامی شکل گرفته بود و بعد با دیدن هم صنفی ها و استادانم...

ادامه صفحه ۲

گستره فعالیت های شورای ولایتی کابل حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

شورای ولایتی کابل آئینه تمام نمای فعالیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و ورزشی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در کنار سایر ریاست های دفتر مرکزی حزب در سطح ولایت کابل می باشد که با رویکرد جدید به تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۳ طی محفل باشکوه...

ادامه صفحه ۴

انسجام ملی؛ تنها راه مبارزه با تکرار افرائیت

انگار کار دفتر سیاسی طالبان در قطر، مذاکره مستقیم امریکا با طالبان، رهایی بیش از پنج هزار زندانی طالبان و برجسته سازی این گروهگ تروریستی در مسکو باعث شده است تا امروزه طالبان به یک قدرت بزرگ سیاسی نظامی تبدیل گردند.

افغانستان جنگی تک بعدی نیست، بلکه عوامل داخلی و خارجی در تعامل با هم مسیر جنگ افغانستان را طولانی، مبهم و پیچیده ساخته است.

ایالات متحده امریکا و افغانستان در طول سالهای گذشته (پس از ۲۰۰۱) در مورد چگونگی برخورد با تروریسم، افرایا گرای و طالبان اشتباهاتی را مرتکب گردیده اند که نتیجه آن اشتباهات مسئله صلح افغانستان کنونی را با پیچیده گی بیشتر روبرو ساخته است. آغاز کار دفتر سیاسی طالبان در قطر، مذاکره مستقیم امریکا با طالبان، رهایی بیش از پنج هزار زندانی طالبان و برجسته سازی این گروهگ تروریستی در مسکو باعث شده است تا امروزه طالبان به یک قدرت بزرگ سیاسی نظامی تبدیل گردند. از طرفی عدم انسجام سیاسی در افغانستان خود نشانه ضعف جمهوریت است، جمهوریتی که با حرکت های تک محور و انحصار طلبانه به دنبال حفظ قدرت سیاسی در همه ابعاد است. انحصار طلبی، تک روی و عدم مشارکت سیاسی گروه های فشار و اقتدار مختلف دیمه در حکومتداری باعث شده است تا روند شکل گیری انسجام ملی (حد اقل در رابطه به مسئله صلح) با چالش روبرو گردد. رویکرد ها و فعالیت های حکومتی نیز تحت نام های مختلف همواره با شکست روبرو گردیده و اکنون نیز عدم توجه به جیت مسئله این ...

ادامه صفحه ۲



مر ترضی هستنی

نگاه حکومت؛

به احزاب سیاسی باید عادلانه و منصفانه باشد



در ضیافت زمانه‌ای که شام دوشنبه ۱۳ ثور ۱۴۰۰ از سوی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در مهمان‌خانه ارگ برگزار شده بود محترم استاد ابوالحسنین باسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان از جمع معهود سخنرانی نمود که به ایراد سخن پرداختند، که اینک متن بیانات ایشان به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

جلالت‌آب محترم جناب رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، آقای محمد سرور دانش معاون محترم رئیس جمهور و آقای دکتور فضل‌ی رئیس محترم عمومی اداره امور اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته، شام همه‌شما به خیر! در آغاز لازم می‌دانم به روح همه شهدای نیروهای امنیتی کشور خصوصاً رویداد اخیر تروریستی در ولایت لوگر درود می‌فرستم و به همه مردم شریف متدین کشور من عرض تسلیت دارم. بی تردید درد ما و مصیبت‌های مان یکی است، همگان عضو یک خانواده بزرگ به نام افغانستان هستیم.

جناب رئیس جمهور!

در جلسه امشب که بیشترین رهبران و روشای احزاب و جریان‌های سیاسی مقتدر و مطرح افغانستان حضور دارند، اجازه می‌خواهم در باره نقش احزاب سیاسی در آوردن تغییر و تحولات اجتماعی سیاسی کشور مان اشارات و تماس‌های و لو مختصر داشته باشم.

نقش احزاب و جریان‌های سیاسی در دوره‌های زمانی مختلف کشور بویژه در بیشتر از نیم قرن گذشته متفاوت بوده و با فراز و فرود‌های زیادی همراه با چالش‌ها بوده است و در تحولات تاریخی افغانستان گاهی در متن و زمانی هم در حاشیه و بعضاً متأسفانه عامل بحران و جزء از چالش‌ها بوده است، اما با همه اینها نمی‌توان نقش آنها را نادیده گرفت و به آسانی از کنار آنها گذشت،

چرا که احزاب سیاسی رکن اصلی دموکراسی است و دموکراسی بدون موجودیت احزاب معنا و مفهوم ندارد، چنانچه جمهوریست هم بدون نقش و مشارکت احزاب معنا نخواهد داشت. از ویژگی‌های مهم جمهوریست مؤلفه‌های همچون کثرت‌گرایی سیاسی، مردم‌سالاری، قانون‌محوری و توزیع عادلانه قدرت و سیاست است.

قرار گرفتن برخی احزاب در بستر ایدئولوژی گاهی همراه با افراط‌گرایی دینی و زمانی با نظامی‌گری و قومی‌شدن که موانع اصلی فرا راه دموکراسی می‌باشند و در واقع تقلیل جایگاه احزاب از نقش مثبت و سازنده در نقش منفی و مخرب را در پی دارد. من این چالش‌ها را با عشق جان درک نموده خدمت همه شریک می‌سازم.

انتظار دارم تا نوع نگاه حکومت به همه احزاب نگاه عادلانه و منصفانه باشد. معیار و ملاک حضور احزاب سیاسی در تعامل با حکومت و حضور در ساختار آن چگونه است؟ چرا فقط پنج‌الی‌ده حزب که لایس قومی به تن دارند، در تمامی قضایا دخیل می‌باشند اما دیگر احزابی که ماجرا جو نیستند و حتی گروه‌های مسلح هم ندارند و از قانون و نظم تبعیت می‌کنند در حاشیه قرار دارند.

ما صرف حامی، شعار جمهوریست نیستیم اما پشتیبان حقیقی جمهوریست هستیم و در ساحت عمل بر برگزاری پروسه انتخابات حضور قدرت‌مندانه خود را به نمایش گذاشتیم و حالا هم در کنار تان

با تمامی توش و توان تا پایان خط پیروزی در برابر جور و ستم و زور گویی طالبان با قامت راست ایستاده ایم.

از جناب شما انتظار داریم تا همه حوزه‌ها را به رسمیت بشناسید، به همگان توجه یکسان داشته باشید تا احزاب به صفت جریان‌های سیاسی اثر گذار جایگاه اصلی خود را باز یابند.

جناب رئیس جمهور!

از آدرس حوزه شیعه‌های افغانستان به شما اطمینان می‌دهم که در کنار شما قرار داریم، در این راستا قدرت بسج مردمی کافی داریم و از تمامی ظرفیت‌های موجودمان برای حمایت از نظام جمهوریست بهره خواهیم گرفت. درخاتمه امید است که سلسله این گونه دیدارها ادامه پیدا کند و به همینجا نقطه پایان به آن گذاشته نشود.

از توجه تان اظهار سپاس و شکران می‌نمایم

درس در سایه ترس وحشت

فرار از دانشگاه ۱۴۰۰/۲/۲۹

محمدشفیع علیزاده

روز چهارشنبه با دنیای از شور و هیجان به استقبال درس یا شتاب بسوی دانشگاه حرکت کردم حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح پیش دروازه دانشگاه کابل رسیدم، وارد دانشگاه شدم و دیدم پیش دروازه فضای نظامی شکل گرفته بود و بعد با دیدن هم‌صنفی‌ها و استادانم خوش شدم وقتی به چهره آنها دقیق‌تر نگرینم دیدم که تبسم تلخ برلبان دارند و خیلی هراسناک و وحشت زده هستند زود متوجه شدم زیرا روز‌های قبل حمله انتحاری بر دانشگاه شایع شده بود. داخل صنف رفتم و استاد شروع کرد به درس‌های خویش و این شایعه آنقدر کوبنده و جدی بود که با عجله درس خاتمه یافت و از محوطه دانشگاه خارج شدیم، با ترس از آنکه مبادا این شایعات حمله بر دانشگاه کابل بار دیگر تحقق یابد.

من حین ورود به دانشگاه تا بیرون شدن با خود کلنجار می‌رفتم که گناه ما چیست؟ ما چه عملی را مرتکب شده ایم که مستحق کشتن باشیم؟ یا خود گفتیم که سلاح حمل نمی‌کنیم تنها و تنها آنچه را که داریم فقط یک بیک است که داخل آن کتاب و کتابچه یادداشت و قلم است و همواره از آنها برای ارتقای سطح دانایی خویش و کشورمان در جهت زدودن و از بین بردن «فقردانایی» استفاده می‌کنیم و دیگر هیچ؟

چرا در این کشور حمل کتاب و کتابچه و قلم جرم پنداشته می‌شود؟ در تمام دنیا به دانشگاه و مراکز تعلیمی احترام میشود اما چرا در کشور ما مکان‌های تعلیمی و تربیوی هدف حمله‌های انتحاری قرار می‌گیرند؟ این سوال‌ها ذهن آشفته ما را آشفته تر کرده بود و ما دانشجویان، آنروز خویش را فراموش کرده بودیم و نشستیم و دودیدیم و از همدیگر سبقت گرفتن را نمی‌دانستیم و هرکس نسبت به دیگری سبقت می‌گرفت و گاهی باهمدیگر تصادم می‌کردیم و حتا احترام به استادان را هم فراموش کرده بودیم. وقتی به محل کار ام رسیدیم بعد از لحظاتی بخود آمدیم گویا همه آن ماجراها، سوال‌ها و ترس و وحشت‌ها هم در خواب بوده است اما خیلی خسته و افسرده بودیم.

آری! ما میدانیم که استراتژی تروریستان در قبال جغرافیای جنگ زده و فقیر قلب آسیا به تکرار استراتژی تلخیست که همواره بالای همسروشان ما اعمال شده و تکرار می‌شود و اصرار دارند که به شکل مکرر تاریخ تاریک تهاجم و انتحاری‌های سفید، سرخ و سیاه را انجام دهند.

ولی از نظر ما محصلین و نسل جوان که اندیشه‌ای تعصب مذهبی، قومی و نژادی را به نقطه‌ی صفر رسانیده ایم یعنی همه‌ای اقوام و نژاد ساکن در کشور تحت یک سقف همه‌روزه مانند خواهران و برادران یک فامیل به آموزش می‌پردازیم و از توطئه‌ها و دسائیس اجنبیان آگاه هستیم و سعی می‌کنیم تا دسائیس دشمنان بزدل برای ایجاد تنش و تفرقه تازه را خنثی نموده و بهار صلح را در قلب مادر رنج‌دیده وطن روشن سازیم و authority سیاسی و نظامی بازیگران منطقه را به جهان‌بین نشان دهیم که ما دیگر جنگ نمی‌خواهیم و نسل جوان خواهان طلوع خورشید تعلیم و تعلم در سرزمین جنگ زده مان هستیم و امید است تا روزی شاهد باشیم که هیچ مداری درد فرزند خویش را ندیده و هیچ طفل یتیم و بی سرپناه نگردد.

پیام من و هم‌سروشان من را به همه مردم افغانستان برسانید که تاکی این کشور نا آرام، پریشان و خسته باشد؛ بیاییم به احترام شهاده که قربانی استقلال و آزادی کشور شده و به احترام اطفال و کودکان بی سرپرست کشور برای صلح و آرامش دست به دست هم داده کوشش و تلاش نماییم.

انسجام ملی، تنها راه مبارزه با تکرار افراطیت

کوتاهی بدون نتیجه از هم خواهد پاشید. به عبارت دیگر شورای عالی دولت را می‌توان ائتلاف جدید برای تقسیم قدرت در افغانستان به حساب آورد، با توجه به پیشینه ائتلاف‌ها در افغانستان این ائتلاف نیز پس از مدت کوتاهی به دلایل مشخص (انحصار طلبی، افتع‌سازی امتیازی و یا اجباری) از هم خواهد پاشید.

روز به روز طالبان قدرت بیشتری هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی به دست می‌آورند و بر ادعای مشارکت آنها در حکومت و حتی تغییر در شکل و ساختار حکومت افزوده می‌شود. کشور‌های منطقه، قدرت‌های بزرگ و همسایه‌های افغانستان نیز به دنبال تأمین منافع خویش در این منطقه به

این رویکرد‌ها نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. شورای عالی صلح با مصارف هنگفت ایجاد گردیده و با شکست روبرو گردید، حکومت در ادامه آن وزارت صلح و در نهایت در یک قرار داد مشارکتی و سیاسی شورای عالی مصالحه را ایجاد نمود. شورای کار کرد، صلاحیت‌ها و ترکیب آن گسسته و مشخص نبوده و مورد انتقاد سیاسیون و کارشناسان قرار دارد. در ادامه آن در این اواخر حکومت دست به ایجاد «شورای عالی دولت» زده است. شورای عالی دولت نامیست که تصویری شود زیر چتر این شورای انسجام ملی در رابطه به مسائل مهم کشوری از جمله صلح ایجاد شود. اما با نگاهی گذرا به ترکیب این شورا دیده می‌شود که، چهره‌های تکراری و بعضاً منفور عضویت این شورا را به دست آورده‌اند و در مقابل برای گروه‌های سیاسی منسجم و تأثیر گذار و نهاد‌های جامعه مدنی جایگاه مشخصی در این شورا تعریف نشده است.

با توجه به رویکرد‌های سنتی در سیاست‌گذاری کشور، از همین اکنون می‌توان پیش‌بینی نمود که ایجاد شورای عالی دولت ترغیبی برای خاموش‌سازی حرکت‌های مخالف دولت (جمهوریست) می‌باشد. چنانچه شورای عالی صلح و شورای مصالحه ملی کارکرد و نتیجه قابل ملاحظه‌ای نداشت، پیش‌بینی می‌شود که شورای عالی دولت نیز پس از مدت



مر نضی حسینی



توازن قدرت توجه خاصی داشته و از همین جهت موفق سیاسی طالبان در یک دهه گذشته در حال تغییر و قدرت گرفتن است. ملاقات‌های جدا گانه نماینده گان طالبان با مقامات روس، ایران، ترکیه و پاکستان خود نشان‌دهنده این است که طالبان در سدد به دست آوردن مشروعیت سیاسی برای خویش هستند. رویکرد‌های همسایگان، قدرت

باشد؛ به شرط این که قبل از ایجاد شورا ترکیب، صلاحیت‌ها و ساختار اجرائی آن مشخص و به مردم افغانستان پیش کش گردد. تک‌روی، انحصار طلبی و تکرار اشتباهات قبلی باعث خواهد شد تا زمینه قدرت‌گیری بیشتر طالبان میسر گردیده و حتی به درگیری‌های شدید و جنگ‌های داخلی بی انجامد.

دو راهی صلح و جنگ...



طالبان علیرغم نشان دادن انعطاف در سیاست جزئی نه کلی شان در حوزہ‌های حقوق بشری یک سری موانع عقیدتی در تعامل با سایر گفتمان‌های موجود دارند که دست و پای طالبان را روی میز گفتگوهای بده و بستان سیاسی بسته می‌سازد و آن بحث کلییدی احیای شریعت در سایه امارت است که سی سال طالبان برای تحقق آن جنگیده‌اند و کوچکترین عقب‌نشینی از این ادعا، به معنای فروپاشی درونی طالبان محسوب می‌گردد.

در این طرف داستان، دولت با پیشنه دو دهه مشق دموکراسی، برگزاری چهار انتخابات ریاست جمهوری، بها دادن به ارزش‌های حقوق بشری و آزادی بیان، بتاسیل کلان مردمی را پشت سر خود دارد که کوچک‌ترین عقب‌گرد از آنها به معنای واگذار کردن میدان به گروه طالبان و خرده جریان‌های رادیکال مذهبی در افغانستان به شمار می‌رود. با در نظر داشت آنچه گفتیم و آمدیم، طالبان در چانه‌زنی‌های صلح نمی‌توانند کمتر از امارت به چیزی دیگری قانع شوند و دولت روی میز گفتگوهای صلح نمی‌تواند به جز از جمهوری به چیزی دیگر اکتفا کند این یعنی بزبست استراتژیک و زمینه‌سازی برای پیچیدن نسخه منازعه با جنگ.

طالبان دارند توهم می‌زنند که با خارج شدن خارجی‌ها به نحوی میدان دیپلماسی افغانستان را برده‌اند و دولت در نبود حمایت خارجی‌ها سقوط می‌کند و نیازی نیست که در روی میز از خود انعطاف نشان دهند، لذات است که درست در دقایق نود شروع گفتگوها عقب‌نشینی می‌کنند و به نحوی کل روند را سبوتاژ و به گروگان می‌گیرند.

دولت با حساب کردن روی پستوانه مردمی که در این بیست سال اخیر ایجاد شده است و ادعای به اینکه مردم افغانستان دیگر به گذشته سیاه طالبانی بر نمی‌گردند و با موجودیت قوای مسلح

در تاریخ منازعه افغانستان، توسط بازیگران اصلی صلح و جنگ در این کشور جدی گرفته نشده است و این خود به تشدید تنش‌ها پس از کش و قوس بسیار برای رسیدن به صلح کمک کرده است.

جنگ دولت افغانستان با طالبان، نبرد دو ایدئولوژی است که جمع آن‌ها با هیچ ساز و کاری ختم منازعه امکان ندارد.

طالبان؛ برای احیای شریعت در سایه امارت اسلامی می‌جنگد و کالبدشکافی این گزاره نشان می‌دهد که طالبان به هیچ چیزی کمتر از امارت اسلامی آنهم بر اساس خوانش قسری خودشان قناعت ندارند.

در این طرف میدان دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای احیای قانون اساسی و مفردات مدرن ارزش محور چون آزادی، حقوق بشر، حق انتخاب و آزادی بیان در سایه جمهوری، دو دهه است که با این گروه در پیکار سیستماتیک و دوامدار قرار دارد.

نزاع جمهوری با امارت و درگشیدن شریعت با ارزش‌های نوین در یک خطی از تضاد ایدئولوژیک قرار دارند که مانع به نتیجه نرسیدن هر نوع گفتگو می‌گردد و به نحوی وضعیت امتناع از گپ و گفت را به دنبال دارد.

نگارنده بر این باور است که در این میان جایگاه مردم و پایگاه ملت سر نوشت ساز است اگر رفتارندومی در پیوند با انتخاب امارت و جمهوریت در سرتاسر کشور راه اندازی گردد یقینا مردم پشت این جمهوریت خواهد ایستاد اگر چه جمهوریت نیز برای مردم نان و آب نشده و ممکن برخی مردم از آن ناراض باشند، ولی نفس جمهوری خواهی کمک می‌کند که افغانستان دیگر به گذشته تاریک و سیاه برنگردد.

پارادایم سنت و مدرنیته

سید یعقوب نوید

مدن گذشته و زندگی پساً مدین را تجزیه میکنند که جامعه ما از آن خیلی فاصله دارد ما در بیرون شدن از جامعه سنتی و حرکت بسوی جامعه مدین متناسب با شرایط فرهنگی و اعتقادی جامعه خود نیازمند کارت‌حقیقتی و اجتهادی هستیم ما در شرایط زندگی می‌کنیم که جهان و عقلانیت انتقادی عصر مدین دیگر دست از تفسیر جهان برداشته دنبال تغییر جهان منواری با پیشرفت علوم در عرصه‌های مختلف زندگیست، پیشرفت تکنالوژی نیازمند برنامه و مدیریت علمست، برنامه‌های علمی از نیازمندی‌های علمی تغذیه میکنند نه از دین ما در فقه برنامه تدوین شده برای زندگی مدین نداریم، فقه غنای حکمی دارد نه برنامه‌های، جوامع مدین جوامع پیشرفته از نظر ساختارهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی نهایت پیچیده است که نیاز به برنامه‌های علمی دارد برنامه‌سازی کار علم و مراکز علمست که بیرون از حوزه صلاحیت‌های فقهی قرار دارد این نکته بسیار جلی و قابل عطف است انمیشود سطحی از کنار آن گذشت، چون فقه بیرون از جامعه سنتی تجزیه عملی و کاربردی درجوامع مدین را هنوز طوریکه لازم است پیدا نکرده فقه در جامعه مدین بدون اجتهاد پویا وارد شده نمیتواند و اجتهاد پویا زمان ممکن است که دیوار بین علوم دینی و علوم آکادمیک شکسته شود و فقها از سفر و زندگی در گذشته و تاریخ به زمان حال برگردند و بین عالم ماده و معنا تعامل عقلی و منطقی بر مبنی معرفت شناسی ایجاد کنند اما تا جاییکه دیده میشود بسز زایش و نوآوری اجتهادی در فقه بکلی خوابیده و علمای دین به مبرمیت تغییر و تحولات زمان توجه و باور ندارند و مدارس دینی احکام را که متناسب با شرایط زندگی ابتدایی دیروز صادر گردیده لاتغییر تصور میکنند این پارادایم نگری دین و دنیا ناشی از عقبماندگی علمایست که از نظرفکربرداری در گذشته زندگی میکنند دینداری مجرد از شرایط زندگی و تکامل تاریخی عصر و زمان دکامتیزم است معرفت دینی خولگی تخرولی در تعامل با

و نیست مسیحت منحیت یک دین بخش میرک دوران سنت است گرچه جامعه مدین با قرانت سنتی دین در اقتداد و دست کلیسا را از حکومت و زندگی مردم دور ساخت اما دین و اعتقادات مردم همه سرچای شان باقی ماند و تابه امروز اکثریت مطلق جهان را دینداران تشکیل میدهند، به همگان روشن است که کاروان تمدن و فرهنگ بشری در امتداد زمان با پیشرفتهای فلسفی عرفانی و کلامی هنری و شعری مراحل پر بار را پشت سر گذاشته تا به عصر مدین یعنی عصر علم و تکنالوژی رسیده نفس تحولات چیزی جز فرایند تکامل و پیشرفت‌های تکنیکی در عرصه ارتباطات جهانست نه محصول فرایند تکامل دینامیکی و درون ساختاری جامعه ما ، باین لحاظ ارتباطات و حساسیتهای فکری توام با واکنشهای خشن و عامیانه در مقابل ارزشها و مفاهیم جدید از ویژگی‌های جامعه سنتی در حال گذار است که منجر به گسست فکری و فرهنگی جامعه گردیده چالش‌های را در عرصه‌های فکری و تحولات فرهنگی ایجاد نموده و حتی به ترمینالوژی کاربرد واره‌ها در فضای جدید رنگ و معنای دیگر بخشیده. اینها نیازمند تعاریف جدید ساخته فلسفه‌های جدید دستاورد‌های بسیار بزرگ در عرصه علوم انسانی و تعریف انسان جامعه و جهان ارائه نموده که با درک دیروزی قابل تفسیر و معنی نیست چنانچه کنار آمدن با شرایط جدید و گذشتن ارزشهای سنتی و تاریخی در بین اقشار مختلف جامعه مبدل به بحث‌های هویتی گردیده و بحران هویت دینی و سنتی را در خط رادیکالیزم و عقب‌گرایی تقویت نموده و گفت‌وگو گنازار سنت به مدرنیته را به چالش کشانده و بحث هویت چالشین بحث‌های معرفتی و علمی گردیده، و عده زیادی در موضع افکار و اندیشه‌های سنتی محکم ایستاده‌اند و با هر گونه دگراندیشی و نوآوری‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی سر ناسازگاری و زبانی طعنه و لعن در پیش گرفته‌اند گویا هویت سنتی جامعه میرک شخصیت و خانوادگیشان است که در حفظ آن ایستادگی نموده و مانع در راستای



رشد علوم و دانش روز در امتداد زمان تغییر و تکامل مینماید چون انسان و جامعه انسانی در حال تغییر است عقلانیت عصر مدین حکم میکند که هیچ تصدیق بدون استقلال عقلی در سلحه معرفت و علوم پذیرفتنی نیست پس باید توازن منطقی و محتوایی بین گزاره‌های اعتقادی و علوم انسانی و فلسفه‌های امروز بوجود آید در غیر این نمیشود دین را که خود یک بخش بزرگ از سنت است مانند گذشته بگونه میراثی و اقلایی به نسل‌های بعدی انتقال داد این انتقال زمان ممکن است که ما بتوانیم توازن معنایی با استقلال منطقی بین باور‌های اعتقادی و فلسفه زندگی امروز ایجاد کنیم چون علم و تکنالوژی در زندگی امروز بشر گزینده‌ای رفاقی و قدرت‌یابی فراوان در مقابل طبیعت بوجود آورده که نمیشود به همه پشت کرد و با بنام ارزشهای فرهنگی و دینی آنها را نادیده گرفت.

عقلانیت بشریتست پس مقاومت در برابر دست‌آوردی علمی و عقلی بشر نه معقول و نه مقبول است نباید چون کرم به دور خود پیچید و در لابه لای افکار و اندیشه‌های گذشتگان بی خیال آرمیده که ایستایی و ماندن با سیلیبات ذاتی بشر هماهنگی ندارد عقلانیت عصر مدین با عقلانیت دینی و سنتی فرق دارد عقلانیت مدین عقلانیت اعتراضیست اما عقلانیت دینی عقلانیت وحی محور است فلاسفه بعد از کانت گزاره‌های اعتقادی را بیرون از حوزه عقلی دانسته و اثبات تجربی آنرا نامکن گفتند عقلانیت مدین هیچ مرجع بالاتر از عقل و عرف جامعه را قبول ندارد عقلانیت اعتراضی قبل از آن دنبال حقیقت باشد دنبال درک واقعیت‌ها و غلبه بر طبیعت است *

گفت‌وگو سنت و مدرنیته بحث داغ در شرایط امروزی جامعه ماست در حالیکه جهان با پیشرفت‌های علمی و تکنالوژیک بسیار سال میشود که از مرحله

تحول و دگرگونی جامعه ایجاد میکنند اما این دوستان بیخبر از آن اند که جامعه بشری در امتداد زمان همیشه دستخوش تغییر تحول و دگرگونی بوده و است گذار از سنت بسوی مدرنیته یک بحث فلسفی است اما گذار از جامعه سنتی و به جامعه مدین یک بحث جامعه‌شناسانه است که در گذار از جامعه سنتی به جامعه مدین نفی تمام ارزشهای سنت مطرح نیست نباید حرکت بسوی جامعه مدین با نفی همه ارزشهای سنت یکی تلقی شود این حرکت و تغییر تکاملی است نه جایگزینی سنت هایلکه عمق معنایی و ارزش معنوی برای حفظ شدن و باقی ماندن را داشته باشند طبیعتی با جامعه مدین در زندگی انسان مدین هم سازگار خواهد شد و نیاز به نفی این ارزشهای جامعه مدین نیست، در غرب هم مدرنیته با رونسانس و کنار گذاشتن اسقف‌های کلیسا آغاز شد اما مدرنیته نفی کننده تمام ارزشهای عصر سنت نبود

گستره فعالیت های شورای ولایتی کابل
حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان



شورای ولایتی کابل آینه تمام نمای فعالیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و ورزشی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در کنار سایر ریاست های دفتر مرکزی حزب در سطح ولایت کابل می باشد که با رویکرد جدید به تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۳ طی محفل باشکوه در دفتر مرکزی با حضور محترم استاد ابوالحسین یاسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان، آقای میر حسین شتاب رئیس شورای ولایتی کابل و مسئولین حوزات شهری؛ مسئولیت نامه هجده حوزه جدیدالتأسیس در ساحات مختلف را تفویض نمودند.

استاد ابوالحسین یاسر رییس حزب پیرامون اهمیت و نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حوزه های حزبی ایراد سخن نموده برای تأمین و تحکیم هر چه بیشتر روابط نیکو و پویا با مردم جهت جلب حمایت های مردمی تأکید نمودند.

شورای ولایتی کابل همواره تلاش می ورزد تا گستره فعالیت های حزب از طریق ایجاد حوزه های حزبی و سایر برنامه های مفید و مؤثر در سطح ولایت کابل وسیع تر گردیده؛ روابط مردم با حزب و حمایت حزب از مردم مستحکم تر گردد.

مسئولین حوزه ها ضمن اعلان حمایت از موضع گیری های حزب، تعهد سپردند تا در جهت برنامه های حزبی مطابق مسوولیت نامه ها و صلاحیت های تفویض شده، متعهدانه تلاش بورزند تا زمینه شکوفایی و اقتدار هر چه بیش تر حزب فراهم گردد.



حضرت امام علی علیه السلام :

الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَالْاِسْتِقَامَةُ الْاِسْتِقَامَةُ
ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ اِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَاتَّبِعُوهَا
اِلَى نَهَايَتِكُمْ

اهتمام بورزید برای کار، سپس کار را تا تمام نگذارید
و به پایان برسانید و در تصمیمی که گرفته اید استقامت
بورزید و شکیبا باشید.

صلح در فلسطین؛

گاه دیگر یست برای پیروزی

موضع گیری سیاسی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان، به مناسبت جنایات و تجاوز های وحشیانه ی اخیر رژیم صهیونیسم اسرائیل از سرزمین خسته ی فلسطین نسیم صلح را استشمام میکنیم، صلحی که با مقاومت شگرف پیروان شهیدان ی راهی آزادی قدس شکل گرفت و این پیروزی را برای مردم و نیروهای مقاومت فلسطین خجسته باش میگوئیم.
بیت المقدس، قبله ای اول مسلمین و سرزمینی است که بعنوان قلعه ی بلند معنویت موجب پرواز پیامبر اسلام در ترقی اسرئیل به سوی مسجد الاقصی جهان گردید و نیز چکاد شد که آنحضرت در تکامل معراجی تا سدره المنتهی تقرب بسوی معبود حق بال گشود.

دیوارهای منزل و بر صفحه های قلب و در ژرفنای روح مان بنویسیم و جهان را و زندگی خویش را فلسطینی بسازیم، هر طفل ما، هر دختر و پسر ما فلسطینی شود، طوفان سهمناکین و اقیانوس ملامت شویم، وهمچون صاعقه های کوبنده در خرمن وحشیان انسان سستیز قرن بیست و یک آتش برافکنیم و سرزمینی را از چنگال فریت های انسان خوار رهای بخشیم.

۲. یک باردیگر، ما جوامع اسلامی باید با تمام توان برای یاری رسانیدن به مردم فلسطین بسیج شویم و با راهپیمایی ها گسترده در خیابان ها و کوچه و شهرها از سازمان ملل و از کنفرانس اسلامی بخواهیم که رژیم صهیونیسم اسرائیل را محکوم کرده

و مذهبی خطرناک نیست، یعنی افراطیت هر چه مقدس تر گردد، خطرناک تر می شود، از سوی دیگر، منشاء پدیده ای افراطیت جهل، تعصب، بدفهمی و بانافهمی می باشد. دین وقتی با جهل آمیخته گردد؛ آفتی سیه و ازدهار نافرجام شده که صحنه های

فلسطین! ای سرزمینی که مسلمین با روی آوردن به تو گرایش عمیق به توحید و بیزارگی از شرک را آموخت. و دینی را پرستش کرد که در آن عدالت، تقوا، احترام به انسان، امت وسط بودن موج میزند و جز عبودیت حضرت حق هیچ کسی به



دلخراشی همچون حادثه های زجردهنده ی مردم مظلوم فلسطین و تراژدیهای ننگینی چون مدرسه ی دخترانه سیدالشهداء در افغانستان دشت برچی را خلق کرده و آدمی را بکام خویش میبلعد و چون صهیونیسم نمونه ی آدم خوری در قرن بیست یک میشوند. بنا براین، در این برهه ی حساس تاریخ دوموضوع را قابل یاد آوری میدانیم:

۱. ستمگرها، نسل کشی ها، تخریب منازل و وحشی گریهای که بر مردم فلسطین میروند؛ جوامع اسلامی چه ز بان حال باشند یا قال مورد خطاب آنها واقع می شوند. گویا از حنجره های شهیدان، اطفال معصوم و زخمی های حادثه هر آن فریاد؛ «من اسمع آن ینادی یاللمسلمین، فمن لم یجبه، فلیس بمسلم» از زمین و آسمان به گوش ها میرسد. اجابت آن فریادها، تنها رزمیدن نیست بلکه احساس مسوولیت کردن به اندازه ی توان و وسیع آدمی است، یعنی قضا یه ی فلسطین باید همواره در محراق توجه قرار گیرد. زیرا جوامع اسلامی نسبت به مردم فلسطین خیلی کوتاهی کرده اند نه شعاری، نه شعوری، نه شعری، نه خطابه ی، نه گردهمایی، نه تابلوی، نه مقاله ی و نه کتابی، بیاند همه باهم اسم فلسطین را بر

اربابی گرفته نشده و مسلمین حریت، آزادی و سیادت انسانی را در بستر آموزه های این دین مشق میکردند. اما اکنون، رژیم تبه کار صهیونیسم اسرائیل با جنایات غیر انسانی خویش نسبت به تو و مردم این سرزمین، تمام قوانین، کنوانسیونها و طرز عمل های بین المللی را زیر پا کرده و ماشین جنگی شان به زن، مرد، پیر و کودک مردم رحم نکرده و حتا کشتار بیرحمانه ی شان مصداق بارز نسل کشی محسوب میشود. با آن همه قساوت، اینک باردیگر شاهد صلح در سینه ی پاک تو می باشیم.

ما سیاست سفالکانه و سفیهانه ی رژیم منحوس و فاشیستی صهیونیست را که مبتنی بر جنگ و خشونت و نسل کشی باشد به شددیدترین لحن محکوم کرده و تقبیح میکنیم.

ما به برادران مسلمان فلسطین خویش میرسانیم که افغانستان و فلسطین هر دو برابر قربانی افراطیت کور مذهبی شده اند. در آنجا افراطیت دینی یهودیت و در اینجا افراطیت اسلامی افراطیت در هر لباس و متعلق به هر قوم و نژاد که باشد؛ دشمن بشریت و خصم جان انسان ها میباشد. اما هیچ افراطیتی به اندازه ی افراطیت دینی